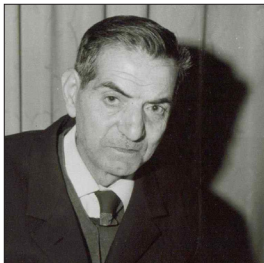


از آن همه دیروز / بازخوانی تاریخ

## ای وای شهریار...



سیدمحمدحسین بهجت تبریزی متخلص به شهریار، سال ۱۲۸۵ در تبریز متولد شد.

مهم‌ترین اثر این شاعر گرانمایه مجموعه غزلیات ونیز منظومه حیدر بابایه سلام (سلام به حیدر بابا) است که از شاهکارهای ادبیات ترکی آذربایجانی به‌شمار می‌رود و شاعر در آن از اصالت و زیبایی‌های روستا یاد کرده است.

شهریار در سرودن انواع گونه‌های شعر فارسی تبحر داشت، اما بیشتر از دیگر گونه‌ها در غزل شهره بود و از

جمله‌غزل‌های معروف او می‌توان به «علی ای همای رحمت» و «آمدی جانم به قربانت» اشاره کرد. او تحصیلاتش را تا سال آخر رشته پزشکی ادامه داد اما پیش از به‌پایان بردن این دوره، گرفتار بلای جانشوز عاشقی شد و سرانجام در عشق شکست خورد و دل از درس و تحصیل برکنند.

شهریار که در زمره مطرح‌ترین غزل‌سرایان معاصر قرار می‌گیرد، پس از انقلاب اسلامی شعرهایی در مدح نظام جمهوری اسلامی ایران سرود. او در دیوان سه جلدی خود با اشاره به اینکه آذربایجان خاستگاه زرتشت‌پایمبار است، مردم این دیار را از نژاد آری‌می داندو نسبت به اشاعه‌سخنان تفرقه‌انگیز که بوی تهدید و تجزیه از آن‌ها به مشام می‌آید، هشدار می‌دهد.

وی در روزهای آخر عمر به دلیل بیماری در بیمارستان مهر تهران بستری شد و پس از فوت در ۲۷ شهریور ۱۳۶۷ بنا به وصیت خود در مقبره‌الشعراى تبریز به خاک سپرده شد. در کشور ما روز ۲۷ شهریور را «روز شعر و ادب فارسی» نام‌گذاری کرده‌اند. فریدون مشیری در رثای شهریار سروده است: در نیمه‌های قرن بشرسوزان / اشک مجسمی بود، در چشم روزگار / جان‌مایه محبت و رقت / ای وای شهریار....

### خودزنی / محیط زیست

## فقط برای چند سیخ کباب؟!

وقتی اخبار مربوط به درگیری محیط‌بانان با شکارچیان متخلف را مرور می‌کنم، حس می‌کنم سناریوی یک فیلم اکشن به دستم رسیده: تعقیب و گریز و تهدید و فرار و فرود عناصر ثابت تمام این خبرهاست. البته گاهی محیط‌بانان موفق می‌شوند شخصیت‌منفی‌های داستان را دستگیر کنند و گاهی هم نه. برای مثال دیروز در خبرها آمده بود که چند روز قبل نیروهای یگان محیط زیست منطقه حفاظت شده خانیز در استان کهگیلویه و بویراحمد حین گشت و کنترل در منطقه متوجه چند قطره خون تازه روی زمین و آثار حضور شکارچیان متخلف در منطقه شدند. محیط‌بانان به جست‌وجوی منطقه‌رفته و پس از مدتی رزنی و دوربین کشی متوجه صدای صحبت دو نفر با یکدیگر می‌شوند.

ماموران به صورت نامحسوس به محل حضور افراد ناشناس نزدیک شده‌و نفر را درحالی دیدند که یک اسلحه جنگی سیمینتوف ویک اسلحه جنگی کلاشینکف در اختیار داشته و مشغول استراحت بودند. مسئول منطقه حفاظت‌شده خانیز در این باره گفت: تا حد ممکن به متخلفان نزدیک شدیم تا جایی که کمتر از ۵ متر با آن‌ها فاصله داشتیم اما هنوز متوجه حضور مانده بودند. تعداد ماموران سه نفر و متخلفان نیز سه نفر بودند بنابراین از یکدیگر جدا شده در یک لحظه دو نفر به سمت کلاشینکف و یک نفر به سمت سیمینتوف دویدیم. اسلحه سیمینتوف را دست شکارچی متخلف گرفتیم ولی دو متخلف دیگر با ایجاد درگیری کلاشینکف را از دست ماموران خارج کردند. با این حال محیط‌بانان موفق شدند خشاب کلاشینکف را از اسلحه جدا کرده و در اختیار بگیرند. یکی از متخلفان که اسلحه کلاشینکف را در دست داشت پس از چند متر فرار اسلحه را به طرف ماموران نشانه رفته محیط‌بانان را تهدید به مرگ نمود. با توجه به اینکه خشاب اسلحه خارج شده و تنها یک فشنگ در اختیار داشت بلافاصله با اسلحه سازمانی به سمتش شلیک کردیم که با برخورد گلوله به زمین، شکارچی متخلف از تهدید ماموران ناامید شده‌و با اسلحه کلاشینکف متواری شد. دو نفر از متخلفان بازداشت شده و از آنان یک قبضه اسلحه جنگی سیمینتوف به همراه ۵ فشنگ و یک خشاب کلاشینکف حاوی ۲۶ فشنگ کشف و ضبط شد. با توجه به مشاهده رد خون روی زمین مطمئن بودیم که متخلفان اقدام به شکار جانوران وحشی کرده‌اند اما آنان مدعی بودند شکاری انجام نداده‌اند. به همراه محیط‌بانان به جست‌وجوی اطراف محل استراحت متخلفان پرداخته و پس از مدتی لاشه دو کل وحشی که زیر یک درخت مخفی شده بود کشف شد.

متهمان به همراه لاشه‌ها، اسلحه و مهمات جنگی کشف‌شده به پایین کوه منتقل شده‌و پس از تشکیل پرونده به جرم شکار غیرمجاز جانوران وحشی، حمل و استفاده از اسلحه جنگی و تمرد از فرمان و درگیری با ماموران به مراجع قضایی معرفی شدند. متهمان به جرم حمل و استفاده از سلاح و مهمات غیرمجاز جنگی و همچنین شکار غیرمجاز جانوران وحشی در دادگاه محاکمه خواهند شد.

این آقایان متخلف حتما می‌دانند مجازات حمل اسلحه غیرمجاز و شکار غیرمجاز و درگیری با ماموران قانون چیست، با این حال باز هم دست به تخلف می‌زنند. فقط برای چند سیخ کباب؟ این انصاف است؟ حیوان بی‌زبان خدا را یکشی، جان خودت و چند نفر دیگر را به خطر بیندازی، پیه زندان و جریمه نقدی را به نتد بمالی فقط برای چند سیخ کباب؟ امان از حرص آدمیزاد. یکی نیست به این برادران غیور شکارچی بگوید دوره انبیاث مردانگی از طریق شکار حیوانات در کوه و دشت و صحرا گذشته است. امروز مردانگی آن است که در حفظ اندک میراث بر جای مانده از حیات وحش سرزمینمان بکوشیم و به فکر چرخه حیات در ایران زمین باشیم؛ سرزمینی که فرزندان ما وارثان آن خواهند بود.



### فارسی را پاس بداریم

## امداد و انسداد و الباقی ماجرا

همین که از تونل رسالت بیرون زدیم چشمم به این نوشته افتاد: «امداد و انسداد تونل». این عبارت را روی بدنه خودروی امداد نوشته بودند. در یک مسیر چند کیلومتری در بزرگراه رسالت با این خودرو هم‌مسیر بودیم. چشم از نوشته برنی‌داشتم و مدام با خودم تکرار می‌کردم: امداد و انسداد تونل، امداد و انسداد تونل ، امداد و انسداد تونل. این عبارت را با خودم زمزمه می‌کردم و می‌پرسیدم: یعنی چه؟ یعنی این خودرو، هم به تونل امداد می‌رساند و هم سبب انسداد آن می‌شود؟ باور بفرمایید از دیدن این عبارت چنان انقلابی در وجودم رخ داده بود که همراهانم بیم از دست رفتنم را داشتند چراکه می‌دیدند ذکر امداد و انسداد تونل از لیم نمی‌افتد.

انتظار ندارم کسانی که در امداد رسانی به اتومبیل‌های در تونل مانده دستی دارند، از زبان فارسی هم سر در بیاورند. اما واقعا گذشتن یک «به» ناقابل به جای حرف ربط «و» تا این حد مشکل است؟ واقعا به عقلشان نرسیده‌نبویسند «امداد رسانی به انسداد تونل». و اصلا چرا حتما باید کلمه انسداد را ذکر کرد؟ «امداد تونل» کافی نیست؟ همه راننده‌ها می‌دانند که گاهی در تونل‌های شهری

## تونان می خواهی، دیوانه می خندد...

مجموعه شعر «خارج آهنگ» عبدالجواد موسوی منتشر شد

انتشارات نون به تازگی دفتر شعری از سیدعبدالجواد موسوی شاعر و روزنامه‌نگار معاصر با عنوان «خارج آهنگ» منتشر کرده که شامل بخشی از اشعار و ترانه‌های اوست. سیدعبدالجواد موسوی را اغلب به عنوان روزنامه‌نگار می‌شناسیم، اما او علاوه بر روزنامه‌نگاری دستی در طنز و پزوهش نیز دارد و در این میان در کار شاعری و ترانه‌سرایی هم بد طولانی دارد. پیش از این از او مجموعه شعر «زخم و نمک» منتشر شده بود و امسال مجموعه شعر تازه او با عنوان «خارج آهنگ» از سوی انتشارات نون در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفت. این کتاب مشتمل بر سه بخش است با عنوان‌های؛ گسسته‌ها، شکسته‌ها و پیوسته‌ها. بخش اول کتاب شامل شعرهای سپید، بخش دوم شامل ترانه‌ها و بخش سوم در بر گیرنده غزل‌های این شاعر است. این مجموعه به لحاظ مضمونی سروده‌هایی عاشقانه، اجتماعی و سیاسی را در بر دارد.

وی پیش از این و در آستانه انتشار این اثر به خبرنگار مهر گفته بود: این کتاب ظاهرا دومین مجموعه شعر من است اما دوست می‌داشتم اولینش باشد. مجموعه شعر ابتدایی من بسیار آشفته و دستپاچه و با تأمل کمتری جمع‌آوری و منتشر شد. اما برای کتاب خارج آهنگ با تأمل بیشتر گزیده‌ای از اشعار آن کتاب به همراه اشعار چهار پنج سال اخیر را انتخاب کردم.

یکی از اشعار مجموعه «خارج آهنگ» را با هم مرور می‌کنیم:

«دیوانه‌ای که هنوز نمی‌داند

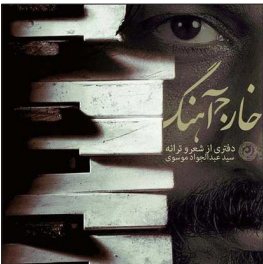
باز زیرشلواری نباید در میهمانی شرکت کرد

با اسب نباید به خیابان آمد

و در حضور یک فیلسوف لطیفه تعریف کردن امر پسندیده‌ای نیست

عهد و پیمان تو با ما وفا با دگران
ساده‌دل من که قسم‌های تو باور کردم
به خدا کافر اگر بود به رحم آمده بود
زان همه ناله که من پیش تو کافر کردم...
(سیدمحمدحسین بهجت تبریزی متخلص به شهریار)

نان داغ کباب داغ / تازه‌های نشر



خارج آهنگ
سیدعبدالجواد موسوی
نشر نون
قیمت: ۱۱ هزار و ۵۰۰ تومان
صفحه ۱۴۶

چگونه می‌تواند خوشبختی را برای تو به ارمغان بیاورد؟

تونان می‌خواهی

دیوانه می‌خندد

تو جامه می‌خواهی

دیوانه می‌خندد

تو سردت می‌شود

دیوانه می‌خندد

تو گرچه می‌کنی

دیوانه می‌خندد و فکر می‌کند می‌توان خنده را خورد،

خنده را پوشیده و با خنده گرم شد.

تو از آینده می‌پرسی

دیوانه اما نه ساعت دارد نه تقویم

و با اینکه روزنامه می‌خواند

معتقد است خورشید به دور زمین می‌چرخد

و به هر که بگوید زمین گرد است، می‌خندد

و تعجب می‌کند چطور مردم نمی‌فهمند یک کیلو آهن

از یک کیلو پنبه خیلی سنگین تر است

با این همه تو دیوانه را دوست می‌داری

چرا که افسانه‌های زیادی به خاطر دارد

شعرهای قدیمی می‌خواند

و اگرچه در شهر زندگی می‌کند

هیچ‌وقت لیخندی را که وقتی از پشت کوه آمده بود بر لب داشت، از روی صورتش بر نمی‌دارد».

### گردش روزگار برعکس است



در زد کسی انگار که مهمان داریم / در سفره گرسنگی فراوان داریم / امروز پلر ابر زیادی آورد / مانند همیشه شام باران داریم. (جلیل صفریگی)

طرح: J\_Bosco / برزیل

### با کاروان حله / اخبار هنر

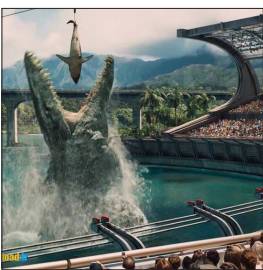
## تقوایی و شیردل در شبکه مستند

با آغاز پخش برنامه «گنجینه» با اجرای پرویش نظریه، شبکه مستند سیما دو مستند از ناصر تقوایی و کامران شیردل را روی آنتن می‌فرستد. پس از برگزاری مراسم بزرگ «میم مثل مستند» و تقدیر از گنجینه‌های سینمای مستند ایران، پخش برنامه «گنجینه» نیز از این هفته آغاز می‌شود.

در همکاری با مرکز آرشپو سازمان صداوسیما، مستندهای برگزیده دهه‌های ۴۰، ۵۰ و ۶۰ از

مستندسازان برتر ایران برای پخش در این برنامه انتخاب شده است و مراحل مرمت این آثار در حال انجام است. برخی از این مستندها تا به حال از تلویزیون پخش نشده‌اند و قابل «گنجینه» با اجرای پرویش نظریه برای نخستین بار روی آنتن می‌روند. در قسمت اول «گنجینه» دو مستند یکی از ناصر تقوایی با نام «پنجشنبه بازار میناب» و دیگری از کامران شیردل با نام «اون شب که بارون اومد» برای پخش در نظر گرفته شده است. «اون شب که بارون اومد» در سال ۱۳۴۷ تهیه شد. این فیلم تا سال ۱۳۵۳ در توقیف به سر می‌برد؛ در این سال و در سومین جشنواره فیلم تهران به نمایش درآمد و پس از به دست آوردن جایزه بهترین فیلم – برنده جایزه بزرگ سومین جشنواره بین المللی فیلم تهران به عنوان بهترین فیلم کوتاه به مفهوم مطلق – دوباره توقیف شد. «گنجینه» هر هفته چهارشنبه‌ها ساعت ۲۱ به‌تهیه‌کنندگی زهرا کشاورزی در ۶۰ دقیقه روی آنتن می‌رود و ممکن است برخی از قسمت‌های آن بنا به مدت زمان مستندها، تا ۹۰ دقیقه ادامه داشته‌باشد.

## پراشتباه‌ترین فیلم سال ۲۰۱۵



در پر فروش‌ترین فیلم سال ۲۰۱۵ یک تلفن همراه به شکل عجیبی خودش را تعمیر می‌کند و کریس پرت بدون حرکت دادن لبانش با برابریس دالاس هاوارد حرف می‌زند! دنیای پرهنزه دایناسورهای پیش از تاریخ بیش از هر فیلم دیگری در سال ۲۰۱۵ حاوی اشتباه بوده است. فیلم علمی تخیلی کالین ترورو حداقل حاوی ۱۹ ایراد و اشتباه است. پس از این فیلم «تابودگر سفر پیدایش» با ۱۰ اشتباه قرار گرفته و رتبه

سوم به صورت مشترک به «مرد مورچه‌ای» و «مکس دیوانه: جاده خشم» با ۸ اشتباه رسیده است. در فیلم «دنیای ژوراسیک» گستره وسیعی از اشتباهات روی می‌دهد، از تلفنی که به صورت جادویی خود به خود تعمیر می‌شود تا صحنه‌ای که در آن کریس پرت بدون اینکه لب‌های خود را حرکت دهد با برابریس دالاس هاوارد سخن می‌گوید. البته باید به تمام این هاتوانایی خواهدزاده هاوارد رانیز یادآور شد که می‌تواند یک چیپ را که به مدت بیست سال در جنگل‌های استوایی خوابیده، از تورا‌اندازی کند. البته برخی از اشتباهات فیلم برجسته‌تر از باقی‌آن‌هاست. برای مثال یکی از ایرادهای وارد شده به فیلم این است که چگونه می‌توان کل یک جزیره را با کشف‌های پاشنه‌بلند دوید و مردم رانجات داد. البته اگر این فیلم را با قسمت اول «پارک ژوراسیک» به کارگردانی استیون اسپیلبرگ مقایسه کنیم، بی‌شک فیلم کالین ترورو از این مقایسه‌سرنبلد خارج خواهد شد. قسمت اول «پارک ژوراسیک» حاوی ۱۵۶ اشتباه بوده است. تاکنون رکورد بیشتری اشتباه در یک فیلم در اختیار فیلم «اینک آخرالزمان» با ۵۶۱ مورد اشتباه است.

و جاده‌ای حادثه‌ای رخ می‌دهد و در چنین مواقعی خودروهایی برای باز کردن گره ترافیکی، خود را به محل حادثه می‌رسانند تا مشکل «انسداد» تونل را برطرف کنند. بنابراین همان‌طور که «امداد خودرو» افاده معنا می‌کند «امداد تونل» هم می‌تواند افاده معنا کند و در این صورت چه نیازی هست به واژه انسداد و تازه معطوف کردن آن به کلمه امداد؟ امداد در موضوع مانحن فیه، در تقابلی با انسداد قرار دارد و نمی‌توان و نباید این دو را با حرف ربط «و» به هم معطوف کرد، زیرا عطف دو واژه به هم، آن دو را در مقامی یکسان و موقعیتی برابر قرار می‌دهد، حال آنکه امداد و انسداد به هیچ‌وجه و با هیچ منطقی موقعیت برابر ندارند.

دردرستان ندهم، آن شب همین‌طور تارسیدن به خانه حالم خراب بود و توی دلم به نویسنندگان عبارت یادشده بد و بیراهه می‌گفتم. امید داشتم که با رسیدن به خانه و خواندن چند غزل ناب از سدهی شیرازی حال خودم را خوش‌کنم اما آسانسور ساختمانی که در آن به سر می‌برم تیر خلاص را زد. مدیر محترم ساختمان کاغذی «آچار» را ربر دیواره آسانسور چسبانده بود و در آن کاغذ از

همسایگان محترم- از جمله بنده-خواسته بود «هزینه آب‌بها» را تا ۲۰ مرداد پرداخت کنیم. از ذکر امداد و انسداد تونل فارغ نشده بودم که مشغول «هزینه آب‌بها» شدم. می‌خواستم همان ساعت به منزل مدیر ساختمان مراجعه کنم و به او توضیح واضح‌ت بدهم که خانم محترم! «هزینه» و «بها» یک معنا دارند و باید می‌نوشتید: «هزینه آب» یا «آب‌بها». اما زام نفس سرکش را در دست گرفتیم و از خر شیطان پیاده شدم چون می‌دانستم دقل دل «امداد و انسداد خودرو» را هم بر سر آن بنده خدا خالی خواهیم کرد.

حالا چند روزی است که دور از جانتان سردرد شدیدی دارم و نه استامینوفن علاج می‌کند و نه ژلوفن و نه جای پرنرگ.

بعد از این همه فکر کردن تازه به این نتیجه رسیده‌ام که اگر همین‌طور پیش برویم باید به زودی فاتحه زبان فارسی را بخوانم و بروم زبان دیگری یاد بگیرم تا شاید ذهن و روحم به اندک آرامشی برسند. شاید...